

تأثیر روایت ایام العرب در مغازی و فتوح نگاری

اصغر قائدان^۱

چکیده: در عصر جاهلی، بر اساس سنت شفاهی نقل روایات، راویان، به گزارش ایام العرب یا جنگ‌های آن عصر می پرداختند و در آن، از شیوه‌ها و عناصر خاصی چون؛ شواهد شعری، قصص و اسطوره، حماسه و ملحمه، مبالغه و تفاخر و ... بهره می گرفتند. پس از ظهور اسلام، وقوع درگیری‌ها و نبردهایی در این دوره، بسیاری از راویان و گزارش‌گران را واداشت تا این جنگ‌ها را با عنوان جدید مغازی و فتوح نگاری، گزارش نمایند. با توجه به نزدیکی این دو دوره به یکدیگر، تشابهات و تمایزات شیوه‌های این دو نوع گزارش و میزان استقلال یا اثرپذیری مغازی نگاری و فتوح‌نویسی از شیوه‌های گزارش الایام در عصر جاهلی، سؤالات اصلی این پژوهشند. بررسی گزارش‌های باقی‌مانده‌ی ایام العرب، ویژگی‌ها، عناصر و ساختار آن‌ها و مقایسه‌شان با شیوه‌ها و عناصر روایت مغازی و فتوح در عصر اسلامی، نشان می‌دهد که عناصر مشابه و همگونی‌های فراوانی از جمله؛ استفاده از شواهد شعری، حماسه و رجز و ملحمه، قصص و اسطوره، تفاخر و مبالغه، میان این دو نوع گزارش وجود دارد. حضور برخی از شعرا و راویان ایام العرب در مغازی و فتوح عصر اسلامی و گزارش این جنگ‌ها توسط آنان با همان سبک و سیاق عصر خویش - البته صرف‌نظر از محتوای دگرگون شده‌ی آن - و نیز بهره‌گیری و استناد فراوان مغازی و فتوح‌نگاران از روایات و یا اشعار عصر جاهلی، از یک طرف؛ استمرار روش ایام العرب در عصر اسلامی و از طرف دیگر؛ اثرگذاری شیوه‌ی ایام العرب را بر روایات مغازی و فتوح نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: ایام العرب، مغازی، فتوح، حماسه، شعر، قصص، ملحمه

۱ استادیارگروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران qaedan@ut.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۰/۶/۲۶، تاریخ تأیید: ۹۰/۸/۲۱

Influence of Ayam al-Arab Narration on Maghazi and Futuh Writings

Asghar Qaedan¹

Abstract: In the pre-Islamic period, known as Jahillyya (Ignorance Age), reporting of Ayam al- Arab (regular wars of the time) in the framework of oral tradition of transmitting narratives, were presented with exaggeration and exaltation and mixed with poetry , stories, myths and epics. After Islam, narrators continued practically the same trend of reporting war, under the new title of Maghazi and Futuh.

This paper studies influence of techniques and approach of narrating wars of the pre-Islamic period on Maghazinaratives. The author by comparing and contrasting of war narratives of these two periods, argues that as a result of active role of some poets and narrators of Ayam al-Arab in Maghazi and in report activities, oral tradition of war narrating of pre-Islamic period effected on Maghazi's reports.

Key words: Ayam al Arab, Maghazi, Futuh, Poets, Stories, exaltations, exaggeration

1 Assistant Professor of History and Islamic Civilization, University of Tehran, qaedan@ut.ac.ir

مقدمه

با بررسی اجمالی تاریخ عصر جاهلیت، می‌توان اذعان داشت؛ جنگ جزء لاینفک زندگی اعراب بوده و آئینه‌ی تمام‌نمای جنگ‌های قبیله‌ای، بخشی از زندگی روزمره‌ی عرب را مصروف خود ساخته است. دستیابی به آب، تصرف چراگاه‌ها، ثار و انتقام، قدرت‌نمایی، تفاخرات و رقابت‌های قبیله‌ای و دستیابی به غنایم، علت عمده‌ی این جنگ‌ها به حساب می‌آید.^۱ بر این اساس، آن‌چه اهمیت می‌یافت بزرگ‌نمایی‌های قبیله‌ای و برجسته ساختن پیروزی‌ها و بی‌اعتبار ساختن قبایل رقیب، ذکر شجاعت‌ها و دلاوری‌های پهلوانان این عرصه و گزارش مبالغه‌آمیز این ایام در قالب روایات شفاهی بود که با عنوان اخبار ایام العرب، مورد توجه راویان قرار می‌گرفت.^۲ ما در این مقاله، ابتدا شیوه‌ها و عناصر روایت ایام را تشریح کرده و سپس ضمن مقایسه‌ی تطبیقی آن با عناصر روایات مغازی و فتوح، در پی پاسخ به این مسأله خواهیم بود که نقاط اشتراک و انطباق گزارش ایام العرب با روایت مغازی و فتوح در عصر اسلامی چیست؟ و روایت ایام، چگونه در عصر اسلامی استمرار یافته و چه اثری بر فتوح و مغازی‌نگاری مسلمانان داشته است؟

در مورد ایام العرب، به طور مستقل دو مقاله در دست است؛ یکی در دائرة المعارف بزرگ اسلامی و دیگری در دائرة المعارف اسلام انگلیسی که هر دو کوتاهند و نگاهی کلی و گذرا به ایام العرب داشته و آن را به طور کلی توصیف کرده‌اند. در این مقالات، شیوه‌ها و عناصر ایام العرب و روش‌های نگارش ایام تشریح نشده و حتی مقایسه‌ای هم میان این ایام و منابع عصر اسلام، به‌ویژه فتوح و مغازی صورت نگرفته است. پژوهش دیگر، کتابی است با عنوان ایام العرب فی الجاهلیه، تألیف جاد المولی بک که فقط ایام را از متون پراکنده گردآوری کرده و بدون هیچ بررسی روش‌شناختی و یا تجزیه و تحلیل عناصر روایت ایام، در کنار هم ارائه نموده است.

۱ محمد ابن حبیب بغدادی (۱۴۰۵ق) المنمق فی اخبار قریش، تصحیح خورشید فاروق، بیروت: عالم الکتب، ص ۲۴۶؛ ابوعمر ابن عبدربه (۱۴۱۱ق) العقد الفرید، با مقدمه‌ی عبدالسلام تدمری، ج ۵، بیروت: دارالکتب العربی، ص ۳۶۰؛ عزالدین ابن اثیر (۱۹۶۵م) الکامل فی التاریخ، ج ۱۱، بیروت: دارصادر، ص ۵۴.
۲ جوادعلی (۱۳۸۰ش) المفضل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴، قم: شریف الرضی، ص ۲۴۷.

ایام العرب در لغت و اصطلاح

ابن سکیت، ایام را به معنی وقایع تفسیر کرده است که خاص روزها، بدون ذکر شبها است.^۱ بخش عمده‌ای از این ایام را درگیری‌های قبیله‌ای شکل می‌داد که به سرعت و به بهانه‌های واهی شعله‌ور می‌شد و به اتمام می‌رسید و شاید غالباً از یک روز تجاوز نمی‌کرد. بر همین اساس، کل آن روز را به همان نام می‌نامیدند و نیز گفته‌اند منظور از ایام الوقایع، روزهایی است که آن قبایل بر دشمنان‌شان پیروزی می‌یابند.^۲ برخی یوم را به معنای وقت شدت گرفته‌اند، مثل قول شاعر، محرز بن کعب در یوم الکلاب الثانی و هم‌چنین بعضی یوم را مثل یک رمز تاریخی دانسته‌اند که اعراب زمان را با آن ثبت می‌کرده‌اند.^۳ این درگیری‌ها بین قبایل داخل شبه جزیره با یکدیگر و نیز با ایرانیان صورت می‌گرفت.^۴ ایام العرب، مهم‌ترین منبع تحقیقی درباره‌ی این بخش از زندگی عرب عصر جاهلی محسوب می‌شود.

جایگاه ایام العرب در عصر جاهلی

در مجموع، ایام را به ملاحم (منظومه) و روایاتی که مضمون آن، حیات فرهنگی یا نظامی عرب را در ۲۰۰ سال قبل از بعثت در برمی‌گرفت، اطلاق کرده‌اند.^۵ شعرای عصر جاهلی، در اشعار خود از کلمه‌ی یوم، بهره‌ی فراوان برده‌اند. به گفته‌ی جاد المولی، ایام العرب در عصر جاهلی، منبعی شایسته از منابع تاریخ و سرچشمه‌ای زلال از چشمه‌های ادب و نمونه‌ای ظریف از انواع داستان و قصص است که از شعر و نثر بهره برده است.^۶ به گفته‌ی رزنتال، ایام العرب شکل سامی کهن دارد. در واقع همین شکل است که در قدیمی‌ترین بخش‌های تاریخی انجیل، ظاهر می‌شود و در آنجا احتمال دارد رویدادهای تاریخ، به شیوه‌ای نه چندان منسجم با شعری که در آن روز سروده شده است، در پیوند باشد یا صحنه‌ی نبردی در تصنیفی مختصر که به تمجید دستاوردهای جنگجویی، به زیان رزم‌آوری دیگر می‌پردازد، به اوج خود برسد.^۷ ایام با این

۱ محمد ابن منظور (۱۹۵۶) *لسان العرب*، ج ۱۲، بیروت: دارصادر، ص ۶۵۱.

۲ همان‌جا.

۳ ابو عبیده معمر بن مثنی (۱۴۰۷ق) *ایام العرب قبل الاسلام*، بیروت: عالم الکتب، مقدمه، ص ۱۶؛ ابوبکر ابن درید (۱۹۷۹م) *الاشتقاق*، تصحیح عبدالسلام هارون، بغداد: مکتبه المثنی، ص ۶۲ و ۳۹۰.

4 Robinson (2003), *chasef Islamic historiography*, Cambridge, p77.

5 Hasan, Mahmoodul (2005), *ibnal-athir: an arab historian*, northern book center, p77.

۶ محمد جاد المولی بک [بی‌تا] *ایام العرب فی الجاهلیه*، بیروت: دارالفکر، مقدمه.

۷ همو، ج ۱، ص ۳۱.

ویژگی‌ها، همواره سینه به سینه در آن جامعه‌ی شفاهی، که زبان و حافظه از ابزارهای مهم ثبت و انتقال روایات تاریخی بودند، نقل می‌شد و شعور بازماندگان را تحریک می‌کرد و به هیجان درمی‌آورد. این درگیری بین قبائل عرب، بیانگر جنبه‌هایی از زندگی اجتماعی و مذهبی عرب قبل از اسلام نیز هست و اطلاعات مفیدی از انساب و نیز خصوصیات قبائل به دست می‌دهد.^۱ این ایام، به گفته‌ی ابو عبیده معمر بن مثنی - در کتاب ایام العرب کوچکی که ابتدا تألیف کرد - هفتاد و پنج یوم و بر اساس کتاب بزرگ‌تری که بعداً تألیف نمود، ۱۲۰۰ یوم، بوده است. ابوالفرج اصفهانی نیز، ۱۷۰۰ یوم به ثبت رسانده است.^۲ اگرچه در این باره، جز کتاب ایام العرب ابو عبیده، کتاب مستقل دیگری بر جای نمانده، اما این ایام در کتب و متون مختلف آمده‌اند. برخی از این متون عبارتند از: ۱- شروح شعر، مثل؛ النقایض جریر و فرزدق، شرح مفضلیات تبریزی، شرح دیوان حماسه‌ی ابوترمام مرزوقی و شرح دیوان الحماسه تبریزی ۲- کتب ادبی، مثل؛ العقدالقرید و الامالی ابن الانباری ۳- کتب امثال، مانند؛ امثال العرب مفضل ضبی و الفاخر مفضل بن سلمه ۴- کتب تاریخ و جغرافیا، مثل؛ تاریخ طبری، التیجان من ملوک حمیر ابن هشام بن ایوب حمیری، الکامل، اخبار عبید بن شریه و نهایتاً العرب اصمعی.

جایگاه روایت ایام العرب در عصر اسلامی

با شروع غزوات عصر پیامبر^(ص)، رده، فتوح و درگیری‌های داخلی، شرح و ضبط این جنگ‌ها برای مورخان، امری مهم تلقی می‌شد، زیرا سیره‌ی نظامی پیامبر^(ص) و صحابه به مثابه‌ی الگویی مهم و قابل پیروی برای اعصار بعدی اهمیت می‌یافت و علاوه بر آن، این رخدادها را حفظ و جاویدان می‌ساخت. از آن جا که این نوع تاریخ‌نگاری از جنگ، در ادبیات حماسی عرب خاستگاهی در قالب ایام العرب داشت، برخی از روایان و شعرای عصر ایام، که عصر اسلام را درک کرده و مسلمان شده بودند، با همان شیوه‌ها و عناصر موجود در روایت ایام به شرح این جنگ‌ها پرداختند. ابن عبدربه می‌گوید: به برخی از اصحاب پیامبر^(ص) گفته شد: وقتی در شب نشینی‌ها و مجالس خلوت خود می‌نشینید، از چه سخن می‌گویید؟ گفتند: «تحدث باخبار جاهلیتنا».^۳ به نظر می‌رسد؛ مسلمانان با عبارت یوم و یا اخبار، مانوس بوده‌اند زیرا خداوند وقتی از واقعه و یا روز مهمی یاد می‌کند، برای روشن شدن اهمیت آن از عنوان یوم و ایام استفاده می‌نماید. این

1 singh.v.1, p117.

۲ جادالمولی، مقدمه.

۳ ابن عبدربه، ج ۵، ص ۱۲۹.

عنوان، بیش از ۲۰۰ مرتبه در قرآن آمده و حتی پیامبر^(ص) به یادآوری آن سفارش شده است. همچنین برای تنها غزوه‌ای که در قرآن با نام آن یاد شده یعنی حنین، به صراحت از کلمه یوم استفاده شده است.^۱ این ایام، چنان در ذهن مورخان عرب باقی و جذاب بود که غزوات عصر پیامبر^(ص) و فتوح و درگیری‌های داخلی عصر خلفا را هم در زمره‌ی ایام قرار می‌دادند؛ مثل یوم احد، یوم بدر، یوم خندق، یوم خیبر، یوم حنین، یوم طائف، یوم صنعا، یوم قادسیه، یوم اعماس، یوم اغواث، یوم ارمات، یوم مرج راهط، یوم الجمل، یوم الصفین و یوم النهروان.^۲ توجه به شیوه‌های روایت ایام در عصر اسلامی، زمانی بیشتر رخ نمود که رقابت‌های قبیله‌ای در عراق (بصره و کوفه) و شام، میان قبایل مضر و یمانی و... شعله‌ور گردید و حکام اموی که هر یک به تیره‌های متعلق بودند، از طریق همین راویان، برتری‌طلبی‌ها و تفاخرات قبیله‌ای خود را آشکار می‌کردند و به آن دامن می‌زدند.^۳ آنان، راویان را وادار می‌کردند در ستایش و تفاخرات قبیله‌ای به جعل اخبار پردازند و چون روایات ایام العرب، آن‌ها را مشحون از دلآوری‌ها، پامردی‌ها و پیروزی‌های قبیله‌ی خود سازند. علاوه بر مورخان، علما و مفسران نیز به روایات شعر جاهلی روی آوردند و در تفسیر و حدیث به آن استشهاد کردند و این امری پذیرفته و مرسوم شد. برخی از علما در استناد به شعر عصر جاهلی، چندان محکم و راسخ بودند که حتی به شعر غیر عصر جاهلی، استشهاد نمی‌کردند.^۴

ویژگی‌ها و عناصر روایت ایام العرب

برای روشن شدن تأثیر شیوه‌های گزارش ایام العرب بر مغازی و فتوح‌نگاری، به ناچار باید عناصر و ویژگی‌های این روایات را به خوبی شناخت و سپس آن عناصر را در تاریخ‌نگاری عصر اسلامی جستجو کرد و نهایتاً ضمن یک مقایسه‌ی تطبیقی، این اثر گذاری و میزان آن را دریافت.

۱ توبه، ۲۵.

۲ محمد بن عمر واقدی (۱۴۱۰ق) کتاب الرده، تحقیق یحیی الجبوری، ج ۱، بیروت: دارالمغرب، صص ۱۶۰-۱۶۱؛ ج ۲، صص ۶۰۹-۶۲۰؛ احمد بن یحیی بلاذری (۱۴۱۲ق) فتوح البلدان، تعلیق رضوان، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، صص ۱۳۵ و ۱۳۷ و ۱۴۱؛ ابو عبدالله ابن قتیبه (۱۴۱۸ق) عیون الاخبار، تحقیق محمدالاسکندرانی، ج ۱، بیروت: دارالکتب العربی، صص ۱۴۶ و ۱۵۱؛ ج ۲، صص ۱۶۳ و ۳۰۲ و ۶۰۵؛ محمد بن جریر طبری (۱۴۰۹) تاریخ الطبری، ج ۳، بیروت: مؤسسة الاعلمی، صص ۳۵۹ و ۵۲۹ و ۵۴۰ و ۵۴۱؛ احمد بن داوود دینوری (۱۴۱۲ق) الاخبار الطوال، تصحیح عبدالمنعم، ج ۱، قم: شریف الرضی، صص ۵۶۲-۵۶۳؛ ج ۳، صص ۴۲-۵۸.

۳ طبری، ج ۶، صص ۲۲-۴۰.

۴ ابو عبیده، مقدمه، ص ۳۵.

۱. شعر و شواهد شعری در ایام العرب

یکی از عناصر مهم روایت ایام العرب، شعر و بهره‌گیری از شواهد شعری برای ثبت و بیان افتخارات آن ایام است. عمده‌ی روایات این ایام، معمولاً به اشعار عصر جاهلی مستند هستند. اگر به شعر جاهلی بنگریم، به‌ویژه در حماسه، رثاء و هجاء، می‌یابیم که با این ایام، ارتباط کامل دارند. سواران، با شمشیرها و نیزه‌های‌شان، تیر می‌اندازند و جان خود را فدای قوم و قبیله‌ی خود می‌کنند و شعرا، پشت سر ایشان با قصایدی که در وصف آن افتخارات می‌سرایند، از آن‌ها حمایت و دفاع می‌کنند. این نمونه‌ها را می‌توان در اشعار امثال اعشی، عنتره، ابن حلزه، عامر بن طفیل، قیس بن حطیم و عبد یغوث دید.^۱ اگرچه روایت ایام العرب در عصر اسلامی تدوین شده است، اما اشعار آن مسلماً متعلق به دوره‌ی قبل از اسلام است،^۲ با این حال، تمرکز این روایات بر شعر، یا تقدم شعر در آن، نوعی بی‌اعتنائی به تاریخ، قلمداد می‌شود.^۳ شعرابی که بعضاً خود از شجاعان آن ایام بوده‌اند، مثل؛ ربیعة بن مکدم؛ شجاع و سوار بنی کنانه، درید بن الصمه؛ فرماندهی بنی جشم، حساس؛ جنگجوی بنی کلب، هاشم بن حرمله، اکثم بن صیفی، قیس بن عاصم منقری، حارث بن عباد البکری و عبدالله بن جدعان، در وصف شجاعت جنگجویان و درگیری‌های آن عصر، داستان‌ها و قصه‌ها پرداخته و اشعار فراوانی سروده‌اند. اشعار مربوط به یوم الصفقه^۴، یوم ذی قار^۵، یوم کلاب الاول^۶، یوم حلیمه^۷، حرب یوم سمیر، حروب اوس والخزرج^۸، یوم فجار و یوم السار^۹ و ایام فراوان دیگر، از آن جمله‌اند.

۱.۱. استمرار شعر و شواهد شعری در مغازی و فتوح

از آن‌جا که مغازی نگاران و فتوح نویسان، روایت این جنگ‌ها را، بعضاً از راویان ایام العرب نقل می‌کردند و آن راویان عمدتاً از عناصر خاص گزارش ایام- از جمله شواهد شعری- بهره

۱ جادالمولی بک، مقدمه.

2 toponymy monuments, historical geography and frontier studies, bumbarton oaks, 2002, v.21, p.365.

3 Kennedy, Philip, on fiction and adab in medieval Arabic literature, Wiesbaden, 2005 P:253

۴ ابوالفرج اصفهانی [ابی‌نا] الاغانی، ج ۱۶، بیروت: داراحیاء التراث، ص ۷۵؛ ابن درید، ص ۴۹۹؛ ابن عبد ربه، ج ۳، ص ۳۵۴؛ طبری، ج ۳، ص ۱۳۳.

۵ ابن عبد ربه، ج ۳، ص ۳۷۳؛ طبری، ج ۲، ص ۱۴۸.

۶ ابوعبیده، ص ۴۵؛ ابوالفرج اصفهانی، ج ۱۱، ص ۶۰؛ ابن اثیر، ج ۱، ص ۳۳؛ ابن عبد ربه، ج ۳، ص ۳۵۲.

۷ ابن اثیر، ج ۱، ص ۳۲۸؛ احمد میدانی (۱۴۰۶ق) مجمع الامثال، ج ۲، بیروت: مکتبه المعارف، ص ۲۰۲، مفضل بن محمد ضبی [ابی‌نا] المفضلیات، بغداد: مکتبه المثنی، ص ۱۸۷.

۸ ابن اثیر، ج ۱، ص ۴۰؛ ابوالفرج اصفهانی، ج ۳، ص ۱۸؛ ضبی، همان، ص ۱۳۵.

۹ ابن قتیبه (۱۴۱۸) ج ۳، ص ۳ و ۹؛ ج ۵، ص ۵۸۰.

می‌بردند، این امر، قطعاً در نوع استناد به شواهد شعری در مغازی و فتوح، اثر گذار بوده است و یکی از ویژگی‌های مهم این متون به شمار می‌رود. بررسی این کتب نشان می‌دهد که نویسندگان آن، به شعر جنگ توجه زیادی مبذول می‌داشتند. نمود این احساس تا عصر اموی، هم‌چنان وجود داشته است.^۱ بسیاری از شاعران عصر جاهلی که زمان پیامبر (ص) را درک کرده و مسلمان شدند، شعرشان را در قالبی دیگر و محتوایی متفاوت - البته با مضامینی حماسی - در خدمت اسلام قرار دادند. اسلام، شعر عصر جاهلی را که با زن، شراب و عصیت همراه بود، نپذیرفت و جهت آن را تغییر داد و آن را در خدمت بیان عواطف و عقاید و ارزش‌های دینی و مذهبی به کار گرفت. شعرا، در خدمت دین و در قالب جهاد علیه شرک و کفر در غزوات و فتوح، حضوری جدی یافتند و به روایت آن جنگ‌ها پرداختند. آنان با اشعاری از قول پهلوانان این قصص، بر آب و تاب این وقایع می‌افزودند لذا متون مغازی، فتوح و سیر، مملو از همین شواهد شعری است. نمونه‌ی این نقل‌ها، سیره‌ی ابن اسحاق است که با آن که ابن هشام، بسیاری از شواهد شعری آن را حذف کرده است، هنوز مشحون از آن است. وی با قضایه طولانی، بر گزارش میدان‌های جنگ افزوده و در شرح جنگ‌های بدر، احد، خندق و سایر غزوات باب‌های مستقلی به ثبت اشعار سروده شده در مورد آن‌ها، اختصاص می‌دهد.^۲ هم‌چنین واقدی^۳ و موسی بن عقبه نیز به شواهد شعری استناد می‌جویند. موسی بن عقبه که خود در فتوح حضور می‌یافت و مستقیماً شاهد این جنگ‌ها بود، از شعرا و راویان عصر ایام بهره می‌برد.^۴ بخش اعظم وقعه‌الصفین نصرین مزاحم منقری را نیز، همین شواهد شعری تشکیل می‌دهد.^۵ هم‌چنین، روایات ابومخنف نیز اغلب قبیله‌ای و منقول از راویان ازدی، همدانی، طی، کنده و تمیم و واجد نگرش‌های قبیله‌ای، یا ایام العرب همراه با شواهد شعری است.^۶ بلاذری، در فتوح البلدان^۷ و نیز ابن حبیش، در غزوات^۸ و هم‌چنین طبری در تاریخ خود، با روایت راویانی چون ابو عبیده بن

1 schippers,p:217.

2 singh,v 1,p:118.

۳ ابومحمد ابن هشام (۱۳۷۵ق) السیرة النبویة، تحقیق مصطفی سقا و ابراهیم العبیری، بیروت: دارالوقایف؛ ج ۲، صص ۸-۴۳ و ۱۲۹-۱۶۸ و ۱۹۵-۲۰۳ و ۲۵۴-۲۷۳.

۴ واقدی (۱۴۱۰) ج ۱، صص ۸۷ و ۹۰ و ۹۲ و ۱۲۵ و ۱۶۴ و ۲۴۹؛ ج ۳، صص ۶۷۲ و ۶۹۶ و ۷۲۹.

۵ حسین مرادی نسب (۱۳۸۲ش) موسی بن عقبه پیشگام در سیره نگاری، تهران: نشاط، ص ۵۶.

۶ همان، صص ۲۳۳ و ۲۳۵ و ۲۴۸ و ۵۱۲ و ۵۱۹.

۷ سید صادق سجادی (۱۳۸۴ش) تاریخ نگاری در اسلام، تهران: سمت، صص ۵۹ و ۶۱.

۸ بلاذری، صص ۲۲ و ۲۴ و ۷۶ و ۸۴ و ۱۱۱ و ۱۳۵ و ۱۵۴ و ۱۶۲ و ۱۶۸ و ۱۸۸.

۹ عبدالرحمن ابن حبیش (۱۴۱۲ق) غزوات ابن حبیش، تحقیق سهیل زکار، ج ۱، بیروت: دارالفکر، صص ۲۷۵ و ۲۷۷ و ۲۹۳ و ۲۲۲ و ۲۶۸ و ۲۷۰ و ۲۸۵.

شریه، محمد بن کعب قرظی، وهب بن منبه و سیف بن عمر، همین امر را دنبال می‌کنند. هشام بن محمد کلبی که مثالب العرب او اکنون برجای مانده و تألیفات دیگرش درخصوص ایام العرب، از جمله: ایام داحس وغبرا، ایام فزاره و بنی شیبان، یوم نسیق، یوم السناس، ایام بنی حنیفه و ایام قیس بن ثعلبه، همگی از میان رفته‌اند و نیز ابو عبیده معمر بن مثنی، که تنها اثربازمانده در این خصوص از آن اوست^۱، مثال‌های دیگر این شیوه هستند. مورخان، ادبا و محدثان بسیاری چون؛ طبری، ابن حبیب، ابن عبداللطیف، ذهبی، ابن سعد، خلیفه بن خیاط، بلاذری، مسعودی، بخاری، سمعانی، ابن عبد ربه، ابوالفرج اصفهانی و ابن حجر عسقلانی، از همین اشعار و شواهد در آثار خود بهره گرفته‌اند.^۲

۲.۱. شعرای ایام العرب در عصر جاهلیت

شعرای ایام العرب عصر جاهلی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته‌ی اول: شعرائی که شعر جاهلی قدیم توسط آنان شکل گرفت و عصر اسلام را درک نکردند و با همان اعتقادات شرک آلود از دنیا رفتند، از جمله: اعشی، عتیره، ابن حلز، عامر بن طفیل، عبد یغوث بن صلاه.^۳

دسته‌ی دوم: شعرای جاهلی نزدیک و یا معاصر اسلام که چون هر دو عصر را درک کرده بودند به آنان شاعران مُخَضَّرَم گفته می‌شد.^۴ بخش زیادی از آنان، شجاعان اسطوره‌ای بودند که ملاحم الایام و اشعار آن را در دوران نزدیک به اسلام سروده‌اند. این عده خود بر دو گروهند؛ آنانی که مسلمان شدند و بر اسلامشان استوار بودند که البته تعدادشان اندک بود؛ و آنانی که اسلامشان نیکو و عمیق نبود و سایه‌ی عصر جاهلیت هم‌چنان بر سر ایشان سایه افکنده بود. برخی از ایشان نیز مرتد شدند که دیوان و اشعارشان نمونه‌ای از شعر مرتدین است. حطیه شاعر، در رأس این عده بود.^۵

دسته‌ی سوم: گروهی از شعرای مسیحی و یهودی که البته اشعار قوم خویش را حفظ و تدوین نکردند. شعر این افراد در شروح شعر از قصائد و قطعات و کتب ادبی و تاریخی پیش

۱ ابن قتیبه (۱۴۰۷ق) المعارف، بیروت: دارالکتب العلمیه

۲ ابن قتیبه، همان، مقدمه

۳ ابو عبیده، ص ۱۶۵.

۴ ابن قتیبه (۱۴۰۷) ص ۳۱۸.

۵ ابو عبیده، ص ۱۶۶.

گفته، فراوان است. مثل ابوقیس صرمة بن ابی انس مسیحی،^۱ حارث بن عبدالله بن ابی ربیعہ نصرانی، ابو عزه شاعر یهودی و حماد بن یونس زهری.^۲

۳.۱. شعرای مَحْضَرَمِ ایام العرب در عصر اسلامی

عده‌ای از شاعران ایام العرب، با ظهور اسلام مسلمان شدند و محضر پیامبر^(ص) و حتی عصر فتوحات را درک کرده، در زمره‌ی راویان و شاعران این عصر در آمدند. شعر و روایات آنان در مغازی و سیر فراوان است. کسانی مثل؛ جندب، بنت عجلان^۳ و زبرقان بن بدر (م ۴۵هـ)؛ از پیشوایان تمیم در عصر جاهلیت و اسلام و از کسانی که در فتوح عراق حضور داشت،^۴ از آن جمله‌اند. عمرو بن الاثم المنقری؛ از بزرگان تمیم در عصر جاهلیت و اسلام،^۵ در یوم بسوس شعری سرود. پیامبر^(ص) در مورد او فرمود: «انه من الشعر حکیم و من الیان سحرًا». در مورد خنساء تماضر؛ بنت عمرو بن شرید (م ۴۳هـ) که از جمله‌ی صحابیات گشت، گفته‌اند؛ پیامبر^(ص) شعر او را می‌پسندید. او در جنگ قادسیه همراه چهار فرزندش حضور یافت، پیوسته آنان را به جنگ و شهادت در راه خدا فرا می‌خواند تا همه‌ی آنان کشته شدند.^۶ اوس بن معز القریحی از قبیله‌ی بنی ربیعہ^۷ و ابو ذؤیب خویلد بن خالد هذلی نیز در نبردهای عصر فتوح حضور یافتند.^۸ خفاف بن عمیر؛ سوار کار شجاع عصر جاهلی^۹، عمرو بن قبیئه از قبیله‌ی بکر بن وائل؛ از شجاعان و جنگجویان عرب در عصر جاهلی^{۱۰}، عباس بن مرداس السلمی؛ سوار کار قبیله‌ی سلیم و سرور آنها در عصر جاهلیت که قبل از فتح مکه با تحویل حدود ۹۰۰ نیزه و زره و اسب به پیامبر^(ص) پیوست^{۱۱} نیز، از آن جمله‌اند. وی (ابن مرداس) در بیست غزوه و نبرد، از جمله

۱ ابن قتیبه، همان، ص ۳۶.

۲ ابن حبیب، ص ۴۰۴.

۳ ابن هشام، ج ۲، ص ۱۳۲.

۴ واقدی (۱۴۱۰) صص ۲۲۰، ۶۸؛ ابن هشام، ج ۱، صص ۵۶۲ و ۵۶۵.

۵ ابن عبد ربه، ج ۵، ص ۲۰۲.

۶ ابن اثیر، ج ۴، ص ۸۷. بنگرید به اشعار او در غزوات (واقدی (۱۳۶۳) / مغازی، ترجمه‌ی محمود مهدوی دامغانی، ج ۳، تهران: نشر دانشگاهی، ص ۷۴۵؛ ابن هشام، ج ۲، صص ۵۶۰ و ۵۶۷).

۷ ابوالفرج، ج ۱۳، ص ۱۹.

۸ شهاب الدین ابن فضل الله العمری (۲۰۰۵م) مسالک الابصار فی ممالک الامصار، ج ۱۴، امارات: مرکز زائد للتراث، ص ۵۸؛ ابن هشام، ج ۱، ص ۱۲۱.

۹ ابن هشام، ج ۱، صص ۲۶۳ و ۴۸۴ و ۵۳۰.

۱۰ طبری، ج ۳، ص ۲۶۵.

۱۱ العمری، ج ۱۴، ص ۵۸.

۱۲ ابن قتیبه (۱۴۰۷) ص ۱۸۹.

- حنین حضور یافت و با قوت در آن‌ها جنگید.^۱ ابن مرداس از مؤلفه قلوبهم بود و به هنگام دریافت سهم غنایم، پیامبر^(ص) را مورد عتاب قرار داد که به جایگاه شعری او توجه نداشته است. پیامبر^(ص) فرمود: به او چیزی بدهید (زبانش را از من بازدارید).^۲ ابن هشام^۳ و نیز واقدی به اشعار فراوانی از او در ذکرغزوات استناد جسته‌اند.^۴ لید بن ربیعہ عامری (م ۵۴۱)، از شعرای عصر جاهلیت که در یوم شعب بیبه و یوم فاتور حضور داشت نیز، به این که مسلمان شده بود، افتخار می‌کرد و خلیفه‌ی دوم او را محترم می‌شمرد.^۵ در این زمینه، هم‌چنین باید از کسان دیگری نام برد از جمله:
- الشماخ بن ضرار^۶ و متمم بن نویره الیربوعی که شعری برای یوم غیبط سروده بود.^۷ قصیده‌ی او در رثای برادرش مالک بن نویره که به دست خالد بن ولید کشته شد، مشهور است.^۸
 - کعب بن زهیر از شعرای جنگ‌آور و پر آوازه‌ی عصر جاهلی^۹ که طبری اشعاری از او را در ذکر جنگ‌های داخلی نقل کرده است.^{۱۰}
 - عمرو بن معدی کرب زبیدی (م ۵۲۱) از سوارکاران و شجاعان نیزه انداز و شمشیر زنی بی‌همتا که شمشیر معروف او (صمصامه) که به پیامبر^(ص) بخشید، اشتهار او را افزون ساخته است. او که خود در فتوح شام شرکت داشته، شعرهای حماسی و جنگی فراوانی دارد.^{۱۱}
 - عمرو بن شاس بن عبید از قبیله‌ی خزاعه و از سروران آن. او با آن که سنش زیاد بود در قادیسه و فتوح ایران شرکت یافت و تهور زیادی از خود نشان داد.^{۱۲}
 - نابغه جعدی که برای یوم بسوس شعری سروده است.^{۱۳} گفته‌اند عمری دراز، حدود ۱۸۰ سال یافت و عصر پیامبر^(ص) و خلفا را درک کرد.^{۱۴}

۱ ابن اعثم، ج ۱، ص ۹۱؛ مصعب بن عبدالله زبیری [ابی تا] کتاب النسب قریش، تصحیح بروفسال، قاهره: دارالمعارف، ص ۲۳۲.
 ۲ العمری، ج ۱۴، ص ۵۶.
 ۳ ابن هشام، ج ۲، صص ۲۰۰ و ۴۲۶ و ۴۲۸ و ۴۵۰ و ۴۶۰ و ۴۸۹ و ۴۹۵.
 ۴ واقدی (۱۳۶۳) ج ۳، صص ۵۳۵ و ۵۳۸ و ۶۲۱ و ۶۲۶ و ۶۸۵ و ۷۲۰.
 ۵ العمری، ج ۱۴، ص ۳۸؛ واقدی (۱۴۱۰) ص ۸۰؛ همو (۱۳۶۳) ج ۱، ص ۲۵۸؛ ابن هشام، ج ۱، صص ۱۸۴ و ۱۸۶ و ۳۹۴.
 ۶ طبری، ج ۱۱، ص ۵۳۵؛ ابن درید، ص ۴۶.
 ۷ نویری، ج ۱۰، ص ۳۶۰؛ ابن درید، صص ۲۷۸ و ۳۷۶.
 ۸ محمد ابن سلام جمعی (۱۹۵۲م) طبقات فحول الشعراء، تصحیح محمد شاکر، مصر: دارالمعارف للطباعة، ص ۲۰۳؛ ابن عماد، ج ۱، ص ۱۶.
 ۹ ابو عبدالله کعب ابن مالک (۱۳۸۶) دیوان، تحقیق مکی العانی، بغداد: مکتبه النهضة، مقدمه.
 ۱۰ طبری، ج ۲، ص ۲۶۶.
 ۱۱ العمری، ج ۱۴، ص ۴۶؛ ابن هشام، ج ۱، ص ۲۰۰؛ ج ۲، صص ۴۸۸ و ۵۸۳ و ۵۸۶؛ ابن حبیش، ج ۱، ص ۱۲۶.
 ۱۲ ابن سلام، ج ۱، ص ۱۹۶؛ العمری، ج ۱۴، ص ۴۴؛ طبری، ج ۱۱، ص ۵۸۳.
 ۱۳ ابن قتیبه (۱۴۰۷) ص ۲۰۸.
 ۱۴ ابن عبدربه، ج ۵، ص ۱۵۲؛ واقدی (۱۴۱۰) ص ۱۷۴.

- زید الخیل، از شعرا و سوارکاران شجاع قبیله طی^ص که پیامبر^ص او را زیدالخیر نامید و در بسیاری از غزوات و فتوح حضور داشت.^۱
- حسان بن ثابت انصاری (م ۵۴۰)، از بنی مالک بن نجار و از شعرای جوان عصر جاهلی که با تمام توان خود به مقابله با شعرای معاند پیامبر^ص می‌شتافت^۲ و البته در اعماق وجودش کم و بیش شعر جاهلی موج می‌زد.
- سلامة بن جندل از شجاعان بنی تمیم^۳.
- ابن زبیری، شاعر برجسته‌ی مکه که در یوم شرب اشعاری سروده بود.^۴
- کعب بن مالک (م ۵۵۰) از شعرای جوان عصر جاهلی که در اسلامش بسیار راسخ بود و در تمامی غزوات حضور داشت.^۵
- عبدالله بن رواحه، شاعر جوانی که با ظهور اسلام، مسلمانی سخت اعتقاد گشت.^۶
- قیس بن مکشوح مرادی، از شجاعان عصر جاهلی که در نبرد شام و قادسیه حضور داشت.^۷
- و ...

شاعران دیگری از عصر جاهلیت و اسلام نیز هستند که در کتبی چون *فحول طبقات الشعراء* ابن سلام، *المفضلیات ضبی*، *طبقات الشعراء* ابن قتیبه، *المبہج فی تفسیر اسماء الشعراء الحماسه*، از آنان یاد شده و در فتوح و مغازی و فتن به شعر یا روایت آنان استناد گردیده است. بدیهی است این افراد که خود از شاعران و راویان ایام العرب بوده و در مغازی و فتوح حضور یافته و اشعاری سروده‌اند، آن میراث شعری و روایت ایام را در این دوران نیز البته در قالبی دیگر تداوم داده باشند. استناد به شواهد شعری آنان در مغازی و فتوح، می‌تواند نشان از تاثیر روش ایام در آن باشد.

۲. تکیه بر قصص و اسطوره

یکی دیگر از ویژگی‌ها و عناصر مهم روایت ایام العرب، قصص و داستان است. ممکن است این

- ۱ طبری، ج ۳، ص ۱۴۵.
- ۲ ابن قتیبه (۱۴۰۷) ص ۱۷۷؛ حسان ابن ثابت (۱۹۷۴ق) *دیوان*، تحقیق ولید عرفات، بیروت: دار صادر.
- ۳ العمری، ج ۱۴، ص ۵۸؛ ابن هشام، ج ۱، ص ۳۱۲؛ ابن درید، ص ۷۴.
- ۴ نویری، ج ۱۰، ص ۴۰۰؛ واقدی (۱۳۶۳) ج ۱، صص ۱۴۶ و ۲۱۸؛ ج ۳، ص ۶۴۸.
- ۵ واقدی (۱۳۶۳) ج ۱، صص ۱۷۱ و ۱۸۰ و ۱۸۸ و ۲۱۲؛ ابن هشام، ج ۱، صص ۷۸ و ۵۸۶ و ۷۱۴؛ ج ۲، ص ۱۳۶؛ مصعب زبیری، ص ۱۲.
- ۶ ابن هشام، ج ۲، صص ۵۱ و ۱۸۸ و ۲۱۸ و ۲۲۱ و ۲۶۹ و ۲۷۲ و ۳۰۵ و ۳۵۴ و ۲۷۵؛ واقدی (۱۳۶۳) ج ۱، صص ۳ و ۵ و ۵۰ و ۸۵ و ۱۲۰.
- ۷ ابن حجر، ج ۳، ص ۲۶۱.

قصص، ملهم از یک واقعه‌ی تاریخی بوده و یا کاملاً جنبه‌ی اسطوره‌ای داشته باشد، با این حال قصص، جزء لاینفک ایام العرب به‌شمار می‌رود. پیرامون درگیری‌های قبایل و توصیف شجاعت‌های دلاوران، هاله‌ای از قصص و اسطوره می‌نشست که برای مجالس اعراب جذابیت زیادی می‌یافت. بازار مبالغه در این داستان‌سرائی‌ها، آن‌قدر گرم می‌شد که اصل جنگ و درگیری به حاشیه می‌رفت.^۱ راویان ایام العرب ضمن آگاهی از این اسطوره‌ها، آن‌ها را با وقایع ایام در آمیخته و چنان روایت جذاب و شیرینی از آن به دست می‌دادند که تشخیص واقعی یا اسطوره‌ای بودن آن تقریباً ممکن نیست ولی در مجموع، بازتابی اجتماعی از باورهای آن عصر است که البته نمی‌توان برای بیش‌تر آن‌ها، تاریخ یا سال‌شماری تعیین کرد.^۲ این روایات از هیچ ترتیب تاریخی برخوردار نیستند زیرا غالباً به نظم می‌باشند. چنین قصصی عمدتاً در خدمت ایجاد تفنن و سرگرمی قرار می‌گرفت. به گفته‌ی رزنتال، اگر چه این‌گونه داستان‌ها- که وی آن‌ها را داستان‌های بلند می‌خواند- از ریشه‌های تاریخی برخوردارند، اما با تاریخ و روش تاریخ‌نگاری به معنای خاص آن، بیگانه و با اسطوره آمیخته شده‌اند، اما چون در آن‌ها برجسته‌های خاص اخلاقی و اجتماعی بیش‌تر تاکید می‌شد، از عناصر تاریخی نیز برخوردار بود^۳، اگرچه برخی، آن‌ها را فاقد ارزش تاریخی دانسته‌اند.^۴ بر این اساس، به گفته‌ی کسکل، تا پیش از قرن سیزدهم میلادی، قصص ایام العرب، بیش از آن که به مفهومی محدود به تاریخ مربوط باشد، به حوزه‌ی ادبیات متعلق بود.^۵ البته مورخان کوشیده‌اند برای این داستان‌ها، زمان و مکان بترانند چرا که می‌اندیشیدند بسیاری از این قصص و اخبار، به نوعی واقعی هستند و لذا قبایل به طور معمول، این میراث را در بین خود، نسل به نسل چرخانده و حفظ کرده‌اند. از این‌رو، ایام را سراسر اشارات و رموز پیرامون وقایع گذشته و شخصیت‌های اسطوره‌ای که منقرض شده‌اند و سرزمین‌هایی که از میان رفته‌اند، می‌یابیم؛ مثل عمالیق در یوم الیمامه و المعمرین در یوم البسوس^۶ و تأثیر خرابی سد مارب در جنگ‌های اوس و خزرج^۷ و حیات

۱ جواد علی، ج ۵، ص ۳۳۵.

2 Encyclopedia of Arabic literature-scott, Julie, meisami., taylor paulstarkey, francis. 1998
v, 1. p. 142

۳ جواد علی، ج ۱، ص ۳۱.

4 Kennedy. p. 253.

۵ فرانتس رزنتال (۱۳۶۳ش) *تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام*، ترجمه‌ی اسدالله آزاد، ج ۱، تهران: آستان قدس رضوی، ص ۳۱.

۶ ضبی [بی‌تا] ص ۷۷۲؛ ابوالفرج اصفهانی، ج ۵، ص ۲۲.

۷ ابن اثیر، ج ۱، ص ۴۰؛ ابوالفرج، ج ۳، ص ۱۸.

ممالک حیره و غسان در یوم حلیمه^۱ و یوم عین اباغ و دوران حیات مملکت کنده در ایام البردان و الکلاب الاول^۲ و حجر و همین طور اخبار قلعه ها و قصرها و دیوارهای عظیم و نیز اخبار و داستان های پادشاهان یمن که داستان پردازان عصر جاهلی و اسلام مثل وهب بن منبه، عبید بن شریه، صحار عبیدی، کعب الاحبار و سیف بن عمر، آن ها را ساخته و پرداخته اند.

۱.۲. استمرار قصص در مغازی و فتوح

توجه به قصص در قالب فتوح عصر اسلامی، بازتابی از شرایط محیطی و اجتماعی عرب و نشانی از توجه آنان به داستان های بلند و جذاب آن است که ضمن روایت مغازی و فتوح با شکلی داستان گونه، به شرح احوال قهرمانان یا چهره های تاریخی و یا اسطوره های می پردازد. در قرآن کریم نیز نشانی از توجه مردم عصر جاهلی به قصص ایام و یا اساطیر دیده می شود به گونه ای که بیش از سیزده مورد به گفته ی مشرکان اشاره شده که آیات الهی را اساطیر می دانند.^۳ این اساطیر، عمدتاً خاستگاهی غیرعربی داشته و بیشتر، از اسطوره های یهود و بنی اسرائیل الهام یافته بود. به گفته ی رزنتال، نقد تاریخی نوین نشان داده است که تاریخ نگاران فتوح اوائل، چون؛ سیف بن عمر و ابوحنیفه، زمینه را برای داستان های بلند فتوح آماده ساخته اند و با عرضه ی رویدادها به شکل داستان های رنگارنگ، سبب شدند تا تاریخ نگاران چون طبری، به آن روی نهند و کسانی چون ابوالحسن بکری، تک نگاری هایی را در این موضوع با عنوان فتوح یمن خلق کنند که قهرمان این داستان بلند، علی بن ابی طالب^۴ است. او برای فتح و گسترش اسلام به این منطقه رفته و با پیروزی های حیرت آفرینی باز می گردد.^۵ اگرچه قصص در دوران خلفای اولیه مهجور ماند اما در عصر بنی امیه، حیاتی دوباره یافت. قصاص و داستان سرایان، بخش عمده ای از زمان و ذهن مخاطبان را برای شنیدن داستان های متعدد، به ویژه در عرصه ی جنگ ها و فتوح اشغال می کردند و حاکمان اموی به خصوص معاویه، با حمایت از قصه پردازانی چون؛ صحار عبیدی^۶، عبیده بن شریه، وهب بن منبه و... می کوشیدند تا توجه مردم را از مبانی اعتقادی و سیره ی نبوی به سوئی دیگر منحرف سازند. در حالی که کتب

۱ مفضل بن محمد ضبی (۱۹۸۳م) *امثال العرب*، بیروت: دارالرائد، ص ۱۸۷؛ میدانی، ج ۲، ص ۲۰۲.

۲ ابو عبیده، ص ۳۶، ۴۵؛ ابوالفرج، ج ۱۱، ص ۶۰.

۳ از جمله: انعام، ۳۶.

۴ رزنتال، ج ۱، ص ۲۱۳.

۵ ابن قتیبه (۱۴۰۷) ص ۱۹۱.

فتوح، مملو از این داستان پردازی‌هاست، تالیفات تاریخی چون؛ مروج الذهب مسعودی، عیون الاخبار ابن قتیبه، تجارب الامم ابو علی مسکویه، تاریخ خلیفه بن خیاط، الاخبار الموقیبات زبیر بن بکار، فاقد این گونه داستان پردازی‌هاست.

۳. ملحمه یا منظومه‌ی حماسی

از دیگر ویژگی‌های روایت ایام العرب، ملحمه یا منظومه‌ی حماسی است که با شعر و قصص، ارتباط مستقیم دارد، اگرچه لزوماً منظوم نیست. ملحمه، از ریشه‌ی لحم، به معنای درگیری و جنگ گرفته شده است.^۱ حماسه نیز از ماده‌ی حمس به معنای دلآوری و صلابت در جنگ است.^۲ نمونه‌ای از این ملحمه‌ها در اسطوره‌های عصر بابلی رواج داشته، مثل؛ حماسه‌ی گیلگمش، یا انوما و الیش و یا در ادبیات یونانی، مثل؛ منظومه‌ی ایلید و ادیسه و نیز فرهنگ هندی، مثل؛ رامنا و نیز ادوار سامی، آشوری، کنعانی و فنیقی، که قدمت آن به ۲۱۵۰ تا ۱۷۰۰ قبل از میلاد می‌رسد. در این میان، یوم الیمامه، شباهت زیادی به منظومه‌ی گیلگمش دارد.^۳ وجود تاریخی ایام العرب، با وجود اسطوره‌های آن، در یک حماسه‌ی منظوم جمع شده که تمیز آن دو را دشوار می‌نماید، با این حال آن‌ها گاهی هم حقیقت دارند و آمیخته شدن‌شان با نثر و شعر، یک تاریخ نیمه واقعی را به دست می‌دهد.^۴ حماسه‌های تاریخی که با وقایع و اشخاص و جنگ‌های بین قبائل سروکار دارد، با واقعیت پیوند می‌خورد اما در کنار آن، نوع دیگری از حماسه نیز با اسطوره مرتبط است. اولین نمونه‌ی ملاحم ایام در عصر تاریخ اسطوره‌ای، داستان و اسطوره‌ی زبانه است که مفضل الضبی^۵ و ابوالفرج اصفهانی^۶ آن را نقل کرده‌اند و نیز داستان ملکه ذنوبیا و اذینه و یوم الیمامه^۷ و یوم جذیمة الابرش و داستان عتتره است که در آن، تاریخ با اسطوره ممزوج شده است.^۸ اشعار حماسی با مضامین دلاورانه و قهرمانانه، مراثی در مرگ کشتگان، هجاء در هجو قبایل رقیب و دشمن، در میان عرب عصر جاهلی، اهمیت زیادی

۱ این منظوم، ماده لحم.

۲ اسماعیل بن حماد جوهری (۱۴۱۳ق) الصحاح، تحقیق عبدالغفور، ج ۳، بیروت: دارالطباعه للنشر، ص ۹۱۹.

۳ ابو عبیده، مقدمه، ص ۱۴۵.

۵ ضبی (۱۹۸۳) صص ۶۷-۶۸.

۶ ابوالفرج، ج ۱۵، ص ۳۲.

۷ ابو عبیده، مقدمه، ص ۷۱.

۸ ابن حبیب، ص ۱۱۴.

داشته است و از این رو، کسان بسیاری به سرایش آن می‌پرداختند که مضامین آن در عصر اسلامی گردآوری شده است.

۱.۳. ملاحم و حماسه در عصر اسلامی

در عصر اسلامی، این شیوه‌ی ادبی با ویژگی‌های خود، در فتوح نگاری هم تقلید شده، تداوم یافت. برخی از داستان‌های این عصر، ملهم از ملاحم ایام و در حقیقت تکرار و بلکه در ارتباط با آن است مثل؛ منظومه‌ی یوم الیمامه و نیز یوم زبانه که شعری از اسرای این یوم به‌جا مانده است.^۱ این جایگاه، با امیه ابن الاسکر کنانی تکرار می‌شود که در عصر فتوح در سن پیری و محروم از بینائی برای فرزندش کلاب و برادرش که برای جنگ خارج شدند، ملحمه‌ای مشابه همان شعری سرود که در یوم زبانه سروده بودند.^۲ او برای یوم فجار هم شعری سروده بود.^۳ رجزهای حماسی برانگیزاننده و نبرد جوانمردانه در غزوات، نوعی روایت حماسی اسطوره‌ای از جنگاوری قهرمانان اسلام در این جنگ‌ها به‌دست می‌دهد. از آن‌جا که این قهرمانان، افراد مقدسی بوده‌اند، بعد حماسی این امر شدت می‌یابد. در عصر اسلامی، کسانی به گردآوری و حماسه‌نویسی پرداختند که ابوتمام از جمله‌ی نخستین آنان بود. وی دو کتاب با عنوان الحماسه و نیز الوحشیات تدوین کرد که ده‌ها تن، از جمله؛ مرزوقی، تبریزی و ابن جنی، بر آن شرح نوشتند و دیگرانی چون؛ بختری و ابن شجری، از پی او به جمع‌آوری حماسه پرداختند. ابعاد وسیع حماسه نگاری در عصر اسلامی، بیان‌گر اهمیت حماسه در فتوح و جنگ‌های عصر اسلامی است با این تفاوت که اگر چه دست‌مایه‌هایی نیز از عصر جاهلیت دارد و قالب سراینده‌گان آن از شعرای مخضرم هستند، اما حماسه در عصر اسلامی، به جای حماسه‌ی پهلوانی در عصر جاهلی می‌نشیند و رویکردی دینی و مذهبی می‌یابد. داستان مجاهدت غازیان و مجاهدانی که برای گسترش دین، جانفشانی کرده و یا به خون‌خواهی و تار علیه ستمگران قیام می‌کنند، جایگزین دلاوری‌های شجاعان قبیله و داستان‌های قهرمانانه‌ی آنان می‌گردد. نمونه‌ی آن، انبوه مقاتل، ابومسلم نامه‌ها و مختارنامه‌ها است. ملحمه‌نگاری و فتن‌نگاری نیز ارتباط نزدیکی با حماسه نگاری دارد که تحت تاثیر بحران‌های داخلی و فتن و در پی گسترش نزاع‌های دینی و قومی در عصر اموی، ظهور می‌یابد. ابوعبیده معمرین مثنی، از کسانی بود که به جمع‌آوری ملاحم الایام پرداخت و

۱ ابو عبیده ، ص ۵۵۶.

۲ همان، ص ۱۵۳.

۳ ابن حجر، ج ۱، ص ۷۸.

پس از او، تالیفاتی با عنوان الملاحم و الفتن، عرصه‌ی ظهور یافت.

۴. توصیف شجاعت‌ها و دلاوری‌ها (قهرمان پروری)

یکی دیگر از ویژگی‌ها و عناصر روایت ایام، قهرمان پروری و توصیف شجاعت پهلوانان عرب و جنگاوری آنان بوده است. این روش، تقریباً شباهت زیادی به داستان‌هایی چون؛ حماسه‌ی انوما و الیش و نیز گیلگامش و رستم و اسفندیار دارد که شجاعان و پهلوانان عصر خود بوده‌اند و پیرامون شجاعت‌های آنان، روایات بی‌شماری ساخته و پرداخته شده است. عصر جاهلی، عصر دلاور پروری بوده و بر این اساس، برای توصیف شجاعت آنان، در قالب صورت‌های شعری، حماسه‌ها و داستان‌هایی خلق می‌شده است، البته نه در آن حدی که برای قهرمانان اسطوره‌ای یونان یا ایران آفریده می‌شد. شعرا، زبان خود را برای تهاجم به دشمن و تحقیر قبیله‌ی رقیب و یا تحریک شجاعان قبیله برای ثار و انتقام، به کار می‌انداختند، مثل؛ شنفری از شجاعان عرب که قصیده‌ی لامیه‌ی وی، روح انتقام را زنده می‌ساخت^۱، اشعار تأبط شرا به‌ویژه، قصیده‌ی کافی‌ه‌ی او و معلقه‌ی عمرو بن کثوم^۲، دریدن الصمه جشمی، شجاع یوم اللوی^۳، عمرو بن عمران صیداوی^۴، یوم مقتل عمرو بن هند^۵ و یوم بزاحه^۶. در حقیقت، روایت ایام العرب، شرح قهرمانانی بود که در این نبردها می‌جنگیدند.

۱.۴. توصیف قهرمانان مغازی و فتوح

توصیف شجاعت رزم آوران میادین مغازی و فتوح در عصر اسلامی نیز تداوم یافت، البته با این تفاوت که انگیزه‌های آنان غالباً- نه چون ایام العرب، برجسته ساختن صرف این شجاعت‌های فردی یا قبیله‌ای- بلکه برجسته ساختن آن در پوشش ایمان و روحیه‌ی معنوی و به عبارتی، انگیزه‌ی جهادی توسط این غازیان بود که از هیچ دشمنی نهراسیده و به آن پشت نمی‌کردند، مثل؛ شرح نبرد تن به تن شجاعان اسلام در برابر شجاعان کفر در غزوه‌ی بدر^۷، شجاعت‌های

۱ ابن قتیبه (۱۴۱۸) ج ۴، ص ۳۶۶.

۲ همان، ج ۱، صص ۱۷۴ و ۳۲۳؛ ج ۲، ص ۴۵۷.

۳ ابوالفرج اصفهانی، ج ۱۶، ص ۷۵.

۴ ابو عبیده، ص ۶۱۲.

۵ ابو عبیده، ص ۶۰۵؛ ابوالفرج، ج ۱۱، ص ۵۳.

۶ ابو عبیده، ص ۵۶۳.

۷ ابن هشام، ج ۱، ص ۶۲۵.

علی^(ع) در تمامی غزوات به‌ویژه هنگام نبرد با شیبه، عمرو بن عبدود، مرحب یهودی و شجاعت‌های ایشان در لیلۃ الہریر و جنگ صفین^۱ و نیز توصیف شجاعت‌های ابو عبیدہ ثقفی و جان‌فشانی او در نبرد جسر، شجاعت‌های خالد بن ولید در فتوح رده و فتوح شام، شجاعت‌های عمرو بن معدی کرب در جنگ با رومیان و جنگ جلولاً^۲ و سایر صحابه^۳. برخی نیز در تالیفات خود، ابوابی به «ذکر اخبار الشجعاء والفرسان و اشعارهم» اختصاص می‌دادند^۴. بدیهی است در هر جنگی، کسانی می‌کوشند توصیفات اغراق‌آمیزی از شجاعت جنگجویان به دست دهند اما مهم آن است که روایان فتوح، مانند عصر جاهلی، بیش‌تر سعی در برجسته‌تر ساختن شجاعان قبیله‌ای هستند که خود از میان آن برخاسته‌اند. فتوح‌نگاران شامی می‌کوشند تا شجاعت جنگجویان عراقی را نادیده بگیرند و فتوح‌نگاران عراقی نیز همین شیوه را در پیش می‌گیرند و در نهایت، این خاستگاه قبیله‌ای روایان و فتوح‌نگاران است که می‌تواند در این خصوص تعیین‌کننده باشد.

۵. تحریک و تشجیع احساسات

از دیگر عناصر روایت ایام العرب، تحریک احساسات افراد و قبائل در برابر رقیب برای انتقام و ثاراست، مثل؛ یوم الجونین^۵، یوم جزع الظلال^۶، یوم فیف الریح^۷، یوم ذی قار و اشعاری که حنظلۃ بن ثعلبه در این جنگ می‌سرود و نیز سروده‌های فرزندش یزید بن حنظلۃ یا عمرو بن حلیه یشکری و نیز اشعی که شجاعت‌های جنگجویان واقعه‌ی یوم ذی قار را به خوبی در شعری ترسیم و نیز روایت می‌کرد، یا اشعار اکثم بن صیفی در یوم کلاب الثانی که جنگجویان را به مرگ در جنگ تحریک و تشویق می‌کرد^۸. ضبط دقیق رجزها و رجز خوانی‌های میدان جنگ، از دیگر راهکارهای تشجیع و تحریک است، چون؛ یوم السلان^۹، یوم

۱ نصر بن مزاحم (۱۳۶۳ش) بیکار صفین، ترجمه‌ی پرویز اتابکی، تهران: آموزش انقلاب اسلامی، صص ۳۱۳ و ۳۷۳ و ۴۳۱ و ۵۴۹.

۲ ابومحمد ابن اعثم کوفی (۴۰۶ق) الفتوح، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، صص ۲۰۱ و ۲۰۹ و ۲۱۳.

۳ رک. به: طبری، ج ۲، صص ۵۵۴ و ۵۵۸ و ۵۶۹ و ۵۷۵ و ۵۷۷ و ۶۲۵؛ ج ۳، صص ۱۷ و ۳۵۳ و ۴۰۱.

۴ ابن قتیبہ (۱۴۱۸) ج ۱، صص ۲۰۷-۲۲۷.

۵ ابو عبیدہ، صص ۶۰۹؛ ابن عطیہ جریر [بی‌تا]، النفاض بین جریر و فرزدق، ج ۱، بیروت: دارالکتب العربی، صص ۲۱۰.

۶ ابو عبیدہ، صص ۵۹۶.

۷ ابو عبیدہ، صص ۴۶۵؛ جریر، صص ۴۶۹.

۸ ولا ترهبوا الموت عند الحرب، فان الموت من ورائکم و حب الحیاة لدی الحرب زلل. ابن عبد ربہ، ج ۳، صص ۳۵۴؛ ابن اثیر، ج ۱، صص ۳۷۹؛ جریر، ج ۱، صص ۱۲۷.

۹ ابن اثیر، ج ۱، صص ۳۹۱؛ یاقوت حموی، ج ۵، صص ۱۰۴.

النفارات^۱، یوم فجار الاول^۲، یوم زباله^۳ و ایام دیگر. این امر در مغازی و فتوح عصر اسلامی به شدت ادامه و استمرار یافت. ثبت و ضبط گونه‌های تشجیع و تحریک جنگجویان در میدان نبرد از طریق شواهد شعری و ثبت دقیق رجز خوانی شجاعان در نبردهای تن به تن یا همگانی، نشان از اهمیت این موضوع در جنگ‌های عصر اسلامی دارد.^۴

۶. شرح تفصیلی و جزئیات میدان جنگ

یکی دیگر از ویژگی‌های روایت ایام، شرح تفصیلی و ذکر جزئیات درگیری، علل وانگیزه‌های جنگ است. معمولاً، به سبب همه جانبه بودن روایات ایام العرب و پرداختن به حاشیه‌های وقایع و توصیف جزئی حادثه، این روایات طولانی می‌گردد و به عبارتی اصل واقعه به محاق می‌رود، اگرچه این امر می‌تواند از محاسن این روایات به‌شمار آید، زیرا اطلاعات دقیق سودمندی از جامعه‌ی عصر جاهلی به دست می‌دهد. نوع پرداخت یوم ذی قار^۵ و نیز مشابه آن در یوم الفجار^۶، ایام داحس و غبراء^۷، ایام عامر و غطفان^۸، یوم البسوس^۹، یوم داحس و الغبراء^{۱۰}، یوم رحرهان^{۱۱}، یوم حجر^{۱۲} از نمونه‌های این ویژگی به‌شمار می‌آیند. تشریح دقیق موقعیت و مکان جنگ مثل یوم ذی قار^{۱۳} و نیز تشریح شیوه‌ها و نحوه‌ی جنگ و درگیری طرفین، شرح نبردهای تن به تن، سلاح‌های مورد استفاده در جنگ و ... مثل؛ یوم داحس و الغبراء^{۱۴} و یوم الکدید^{۱۵}، از دیگر محاسن ایام العرب است.

۱ ابن عبد ربه، ج ۳، ص ۳۰۴؛ ابوالفرج، ج ۱۰، ص ۱۰؛ ابن اثیر، ج ۱، ص ۳۳۸.

۲ ابن اثیر، ج ۱، ص ۳۵۹؛ ابن عبد ربه، ج ۳، ص ۳۶۸.

۳ ابوعبیده، ص ۵۵۶؛ جریر، ص ۶۸۰.

۴ ر.ک.به: نصرین مزاحم، صص ۴۴۰ و ۴۴۶ و ۴۴۷ و ۴۵۵ و ۵۲۰ و ۵۲۵ و ۵۳۰ و صفحات دیگر؛ ابن هشام، ج ۱، ص ۶۲۷؛ ج ۲، صص ۱۷۹ و ۲۸۰؛ طبری، ج ۲، صص ۴۴۸ و ۶۵۳؛ ابن اعثم، ج ۱، صص ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۹۵ و ۱۹۶ و ۲۰۲ و ۲۰۳؛ ابن قتیبه (۱۴۱۸) ج ۱، صص ۲۱۰-۲۲۷؛ ابن حبیب، ج ۱، صص ۲۷۴ و ۲۷۷ و ۲۷۹ و ۲۹۲؛ ابن سید الناس، ج ۱، ص ۲۵۷.

۵ ابن عبد ربه، ج ۳، ص ۳۷۴؛ طبری، ج ۲، ص ۱۴۸؛ ابن اثیر، ج ۱، ص ۲۸۹؛ ابوالفرج، ج ۲، ص ۹۷.

۶ ابوعبیده، ص ۵۰۳.

۷ ابوعبیده، ص ۱۷۷؛ ابن قتیبه (۱۴۰۷) ص ۳۳۴.

۸ ابوعبیده، ص ۹۵.

۹ ابن اثیر، ج ۱، ص ۱۸۳؛ ضبی، ص ۷۷۳؛ ابوالفرج، ج ۵، ص ۳۲.

۱۰ ابوالفرج، ج ۳، ص ۳۱۳؛ ابن اثیر، ج ۱، ص ۳۴۲.

۱۱ ابن اثیر، ج ۱، ص ۳۴۱؛ ابن عبد ربه، ج ۳، ص ۳۶۰.

۱۲ ابوالفرج، ج ۹، ص ۸۱.

۱۳ ابن عبد ربه، ج ۳، ص ۳۴۷.

۱۴ ابن عبد ربه، ج ۳، ص ۳۱۳؛ ابن اثیر، ج ۱، ص ۳۴۲.

۱۵ ابن عبد ربه، ج ۳، ص ۳۲۴؛ ابوالفرج، ج ۱۴، ص ۱۳۹.

۱.۶. شرح تفصیلی شیوه های نبرد در مغازی و فتوح نگاری

جزئی نگری و شرح تفصیلی جنگ‌ها و وقایع به همین صورت در گزارش مغازی و فتوح استمرار یافت. آنان به سبب اهتمام جدی به این امر که می‌تواند اطلاعات مفیدی از افراد حاضر در نبردها، قبائل، انساب، سرزمین و میدان جنگ و مناطق و شهرهای فتح شده به دست دهد، غفلت نورزیده‌اند.^۱ در این میان، آنچه بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، مشاهده‌ی عینی مناطق جنگی، اعم از سرایا، غزوات، فتوح و شرح میدانی این مناطق^۲، همراه با تشریح موقعیت جغرافیایی منطقه^۳ است.

۷. زبان محاوره

در این نقل‌ها، روایان از زبان محاوره استفاده می‌کنند. روایات به طور مستقیم از زبان شاهدان واقعه به صورت گفتگوی دو طرفه نقل می‌شود و معمولاً برای جذب مخاطب، روشی مفید و سودمند است و از سنگینی نثر و متن می‌کاهد و چون داستانی شیوا بردل می‌نشیند، گویی صحنه‌ی نمایشی است که هر یک از بازیگران، نقش خود را به خوبی ایفا می‌کند. کلمات این محاوره، «قال» و «قلت» است. یوم البردان^۴، یوم کلاب الاول و کلاب الثانی^۵، یوم الوقیط^۶، یوم رحرحان^۷، حدیث ابن ضبأ^۸، یوم اعیار^۹، یوم داحس والغبراء^{۱۰}، از این جمله‌اند. در فتوح و مغازی نگاری، زبان محاوره برای انتقال مفاهیم و نقل روایات، هم‌چنان مورد استفاده بود.^{۱۱}

۱. ر.ک.به: واقدی (۱۴۱۷) *فتوح الشام*، تصحیح عبداللطیف، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه، صص ۱۵ و ۲۰ و ۳۲ و ۷۸ و ۱۰۸؛ طبری، ج ۲، صص ۵۴۱ و ۵۶۲ و ۵۷۸ و ۶۴۴ و ۶۵۹؛ ابن اعثم، ج ۱، صص ۱۳۵ و ۱۳۹؛ ابن حبیب، ج ۱، صص ۳۲ و ۶۱ و ۱۱۳ و ۱۴۲.
۲. واقدی (۱۳۶۳) ج ۲، صص ۶۹۳ و ۷۶۴؛ بلاذری، صص ۸۴ و ۹۲ و ۱۰۳ و ۱۲۷ و ۱۳۳ و ۱۸۶ و ۲۹۸؛ ابن اثیر، ج ۲، صص ۴۰۶ و ۳۹۴ و ۵۶۴.
۳. طبری، ج ۲، صص ۵۹۱ و ۶۴۵ و ۶۵۹؛ ج ۴، صص ۱۰۲ و ۱۰۴؛ ابن اعثم، ج ۱، صص ۲۹۴ و ۴۶۳ و ۴۷۲؛ ابن اثیر، ج ۲، صص ۴۰۷ و ۴۱۱؛ واقدی (۱۴۱۷) ج ۱، صص ۶۳ و ۸۸ و ۱۴۵.
۴. ابو عبیده، ص ۳۶.
۵. همان، صص ۴۵-۶۶.
۶. ابن اثیر، ج ۱، ص ۲۸۵؛ ابن عبد ربه، ج ۳، ص ۳۳۰؛ محمود آلوسی (۱۳۴۲ق) *بلوغ الارب فی معرفه اخبار العرب*، ج ۱، مصر: مکتبه محمد طیب، ص ۳۸۵.
۷. ابن اثیر، ج ۱، ص ۳۴۱.
۸. ابو عبیده، ص ۵۵۸؛ جریر، ص ۱۵۳.
۹. ابو عبیده، ص ۵۴۶؛ جریر، ج ۱، ص ۱۹۳.
۱۰. جریر، ج ۱، ص ۱۷۷.
۱۱. ر.ک.به: واقدی (۱۳۶۳) ج ۳، ص ۶۹۵؛ طبری، ج ۲، صص ۵۵۲ و ۵۵۳ و ۵۵۶؛ ابن اعثم، ج ۱، صص ۱۰۴ و ۱۰۵ و ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۹؛ واقدی (۱۴۱۷) ج ۱، صص ۱۹۸ و ۲۰۰ و ۲۰۸.

دلایل اثرگذاری روایت ایام العرب بر مغازی و فتوح عصر اسلامی

بررسی اجمالی و مقایسه‌ی تطبیقی عناصر روایت ایام و عناصر روایت فتوح و مغازی در عصر اسلامی و تحلیل وجوه تشابه و اشتراک آنان با توجه به مباحث پیشین، نشان می‌دهد که شیوه‌های گزارش ایام العرب، نه تنها در مغازی و فتوح‌نگاری استمرار یافته است، بلکه به دلایلی در آن اثرگذار بوده است. از جمله:

یکم: حضور برخی روایان ایام العرب در عصر اسلامی و اخذ روایت آنان توسط مغازی و فتوح‌نگارانی چون؛ ابن اسحاق، زهری، موسی بن عقبه و نیز واقدی که خود تالیف مستقلی در ایام العرب داشته‌اند. روایانی مثل مسلمة بن حبيب، مطلب بن ابی وداعه سهمی، عامر بن کرز بن بنی عبد شمس، عاص بن وائل سهمی، زبیر بن عوام، عبدالاسد بن سلمه، قتادة بن دعامة اسدوسی که یکی از مفسران و حافظان حدیث شد، حارث بن ظالم المری؛ از شجاعان و جنگاوران ایام غطفان و عامر^۱، عبید بن شریه؛ صاحب کتاب الملوک و اخبار الماضیین^۲ که در تدوین آن کاملاً از شیوه‌ی گزارش ایام بهره برده است، محمد بن کعب قرظی، وهب بن منبه، سیف بن عمر؛ از روایان طبری و آگاه به اساطیر و اخبار جاهلیت که خود در خصوص مغازی و فتوح آثاری داشته‌اند، عوانة بن حکم، حکیم بن حزام؛ عالم به انساب و مغازی، مسحل بن کعب، عمارة بن طفیل، ایوب بن کسب، عبدالله بن مسلم بکایی^۳ و نیز صحار العبدی؛ که کتابی نیز درامثال داشت^۴، از نمونه‌های فراوان آن هستند. بدیهی است این روایان در روایات خود در مغازی و فتوح، از عصر خود اثر پذیرفته و یا همان روش‌ها را در روایت‌های‌شان در این دوران نیز دنبال کنند.

دوم: حفظ و تداوم اهمیت و جایگاه شعر در عصر اسلامی برای انتقال و ثبت بهتر روایات که از ویژگی‌های مهم جامعه‌ی شفاهی و جامعه‌ی عصر جاهلی است، به‌ویژه آن‌که با افزایش جنگ‌های این عصر در قالب فتوح و مغازی و نیز جنگ‌های داخلی، توجه به شعر نیز افزایش یافت، همان‌گونه که در عصر جاهلی، با شعله‌ور شدن جنگ بین اوس و خزرج یا قبائل قریش، توجه به شعر افزایش می‌یافت و با فروکش کردن آن جنگ‌ها، از اهمیت شعر نیز کاسته

۱ ابن هشام کلبی، مقدمه، ص ۴۱.

۲ ابن قتیبه (۱۴۱۸) ج ۱، ص ۲۱۸؛ Kennedy.p. 254.

۳ ابن قتیبه (۱۴۰۷) ص ۱۹۱

۴ نویری، ج ۱۰، ص ۳۲۲.

می‌شد.^۱ بر این اساس، مورخان مغازی و فتوح، تحت تاثیر ویژگی‌های نه چندان تغییر یافته‌ی فرهنگی جامعه عرب، برای انتقال و ضبط هر چه بهتر این نبردها، ناچار به بهره‌گیری و استناد به شواهد شعری (اعم از شعر جاهلی و شعر عصر اسلامی) بوده‌اند که می‌توان آن را الگوپذیری مستقیم از ایام العرب دانست. حضور شعرای عصر جاهلی در مغازی و فتوحات عصر اسلامی و سرایش اشعاری در وصف این پیروزی‌ها و مجاهدت جنگجویان که برخی از آن‌ها بسیار شبیه شعر ایام العرب است، بر بهره‌گیری گسترده‌تر از شعر مدد می‌رساند و لذا همین اشعار بخش عمده‌ای از روایت مغازی و فتوح را به خود اختصاص می‌داد؛ به عنوان نمونه، بنگرید به؛ اشعار حسان بن ثابت که رنگ و بوی اشعار ایام العرب را داشت^۲ و یا اشعار امیه الاسکر کنانی در یوم یمامه که به همان شکل در یوم زباله عصر جاهلی سروده بود^۳ و نیز اشعار رشید بن ربیع العنزی و مقاس بن عمرو در توصیف یوم شیطین که در عصر اسلامی هم مانند ایام العرب بین قبیله‌ی بکر بن وائل و تمیم بر سر چراگاه و زمین حاصلخیزی، درگیری رخ داد^۴ و یا اشعار جعفر بن علبه، از بنی حارث که در یوم سحبل در عصر منصور عباسی، زنان قبیله‌ی بنی عقیل را آزار می‌داد، به همین سبب او را مضروب ساختند و او نیز در انتقام از ایشان، چند نفر از آن قبیله را کشت، گریخت و اشعاری مشابه ایام العرب سرود.^۵

سوم: تداوم جنگ‌ها و نزاع‌های قبیله‌ای، ثار و خون‌خواهی در آرامش پس از فتوحات، به‌ویژه در میان قبائل قحطانی و عدنانی، قیسی و نزاری و نیز رقابت‌ها و کشمکش‌های شام و عراق در عصر اموی و نهایتاً بروز بحران‌های داخلی که تشابه فراوانی با جنگ‌های عصر جاهلیت داشت، هر یک از مورخان فتوح و مغازی را با گرایش‌های منطقه‌ای و قبیله‌ای وارد این صحنه می‌کرد. آنان می‌کوشیدند از همان عناصر روایت ایام العرب، برای ثبت افتخارات و برجسته کردن نقش قبائل مورد علاقه خود بهره‌برند، امری که جزء لاینفک فرهنگ جاهلیت محسوب می‌شد و روایات ایام العرب مشحون از آن‌ها بود. انبوه تک‌نگاری‌هایی که در این دوران توسط اخباریان فراهم شده از جمله آثار ابو مخنف، عوانه بن حکم، سیف بن

۱ ابن سلام، ص ۱۰۲.

۲ حسان ابن ثابت (۱۹۷۴ق) دیوان، تحقیق ولید عرفات، بیروت: دار صادر.

۳ ابوعبیده، ص ۱۵۳.

۴ جادالمولی، ص ۲۱۷.

۵ ابوالفرج اصفهانی، ج ۱۱، ص ۱۴۱.

عمر، ابن هشام کلبی^۱ و یا ظهور آثاری چون مثالب، که در مورد زشتی‌ها و رذالت‌های قبائل رقیب بود، شاهد رویکردی دوباره به ذکر افتخارات قبیله‌ای در جنگ‌ها است.

چهارم: ماهیت گزارش آثار مربوط به جنگ که هیچ‌گاه از احساسات مبالغه‌آمیز در خصوص شجاعت‌های پهلوانان و رزم‌آوران میادین خالی نبوده است، مغازی و فتوح‌نگاران را ناچار ساخت تا چون ایام العرب به توصیف و مبالغه بپردازند. شایان ذکر است این ویژگی، خاص این‌گونه کتب است زیرا بررسی اجمالی آثار مورخانی که فتوح را نیز گزارش کرده‌اند مثل؛ طبری، مسعودی، یعقوبی، مسکویه، خلیفه بن خیاط، ابن اثیر، ابن کثیر و هم‌چنین کتب، خراج که ابوابی را به فتوح اختصاص داده‌اند، مثل؛ تالیفات قاضی ابو یوسف، شیبانی و قدامة بن جعفر نشان می‌دهد که در این آثار از مبالغه و توصیف این شجاعت‌ها اثری نیست. آنان، بدون مبالغه و اغراق و داستان‌سرایی پیرامون شجاعت‌های جنگجویان، آن فتوح را گزارش کرده‌اند. شاید این امر به‌آن سبب باشد که کتب تاریخ، به گزارش و ثبت رخداد‌های تاریخی در تمامی عرصه‌ها پرداخته و مغازی و فتوح بخش کوچکی از آن به حساب می‌آید، اما کتب مغازی و فتوح، چون اختصاصاً به موضوع جنگ می‌پردازند، ضمن تفصیل جزئیات جنگ و بررسی همه‌جانبه‌ی آن، خالی از توصیف احساسی و مبالغه‌آمیز نیستند.

پنجم: بدیهی است، حضور قصاص و داستان‌سرایی چون عبیده بن شریه، صحرار عبیدی، سیف بن عمر و وهب بن منبه در روایت فتوح که به اسطوره‌های عصر جاهلیت و نیز اسطوره‌های کهن سامی و اسرائیلیات و عهد عتیق و نیز قصص ملوک کنده و یمن اشراف داشته‌اند، روایات فتوح، سمت و سوی اسطوره‌ای و داستان‌پردازانه یابد، همان‌گونه که یکی از عناصر اصلی روایت ایام العرب، پرداخت داستان‌های بلند و اسطوره‌سازی بود.

نتیجه

با بررسی ویژگی‌ها و عناصر ایام العرب که در متون تاریخی و ادبی برجای مانده است و نیز بررسی ویژگی‌ها و روش‌های مغازی و فتوح‌نگاری و نهایتاً انطباق آن‌ها با یکدیگر، به این نتیجه دست می‌یابیم که شیوه‌های روایت ایام، در مغازی و فتوح‌نگاری، هم‌تداوم و هم‌تأثیر داشته‌اند. استناد به شواهد شعری در کتب مغازی و فتوح - اعم از شعر جاهلی و عصر اسلامی -

۱ محمد بن اسحاق بن ندیم (۱۳۶۶) / الفهرست، ترجمه‌ی محمدرضا تجدد، تهران: امیر کبیر، صص ۱۱۱-۱۱۵؛ عبدالعزیز دوری (۱۹۹۳) بحث فی نشأة علم التاريخ و تطورها عند العرب، بیروت: دارالمشرق، ص ۳۷.

و حضور شاعران ایام العرب در مغازی و فتوح - که به سبب درک دوران اسلام به مخضرمین معروف شده‌اند و در توصیف این جنگ‌ها، اشعار فراوانی که البته خالی از رنگ و بوی عصر جاهلی نیست، سروده‌اند - می‌تواند از عوامل این تاثیر باشد. علاوه بر آن، آمیختن روایات ایام با قصص و اسطوره برای جاوید ساختن آن و یا جذب مخاطبان، بهره‌گیری از حماسه و خلق منظومه‌های حماسی، قهرمان پروری و توصیف اغراق آمیز و پرمبالغه و در حقیقت بزرگ‌نمایی شخصیت‌های دخیل در جنگ‌ها، توصیف جزئی و دقیق میدان‌های جنگ و شیوه‌های رزمی، ارائه‌ی اطلاعات و آگاهی‌های اجتماعی، سیاسی و پرداختن به حواشی غیرمرتبط اما سودمند و مفید، از دیگر ویژگی‌های روایت ایام العرب هستند که در فتوح و مغازی استمرار یافته‌اند. علاوه بر آن، ظهور مجدد رقابت‌ها و گرایش‌های قومی و نزاع‌های قبیله‌ای در دوران بعد از فتوحات، باعث شد تا مورخان مغازی و فتوح با توجه به نگرش‌های قبیله‌ای، به تفاخر، مبالغه و بزرگ‌نمایی قبائل دخیل در فتوح بپردازند، امری که میراث برجا مانده از ایام العرب بود.

منابع

- آلوسی، محمود (۱۳۴۲ق) بلوغ الارب فی معرفة اخبار العرب، مصر: مکتبه محمد طیب.
- ابراهیم، محمد ابو الفضل [بی‌تا] ایام العرب فی الجاهلیه، بیروت: المکتبه العصریه.
- ابن اثیر، عزالدین (۱۹۶۵ م) الکامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر.
- ابن اعثم کوفی، ابومحمد (۱۴۰۶ق) الفتوح، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن بکار، زبیر (۱۳۸۶ش) الاخبار الموقعیات، تحقیق سامی العانی، ترجمه‌ی اصغر قائدان، تهران: بین الملل.
- ابن ثابت، حسان (۱۹۷۴ق) دیوان، تحقیق ولید عرفات، بیروت: دار صادر.
- ابن حبیب بغدادی، محمد (۱۴۰۵ق) المنمق فی اخبار قریش، تصحیح خورشید فاروق، بیروت، عالم الکتب.
- ابن حبیب، عبدالرحمن (۱۴۱۲ق) غزوات ابن حبیب، تحقیق سهیل زکار، بیروت: دارالفکر.
- ابن درید، ابوبکر (۱۹۷۹م) الاشتقاق، تصحیح عبدالسلام هارون، بغداد: مکتبه المثنی.
- ابن سلام جمحی، محمد (۱۹۵۲م) طبقات فحول الشعراء، تصحیح محمد شاکر، مصر: دارالمعارف للطباعه.
- ابن سیدالناس، محمد (۱۴۰۶ق) عیون الاثر فی فنون المغازی والسیر، بیروت: عزالدین.
- ابن شجرى، هبة الله بن علی (۱۳۴۵ق) کتاب الحماسه، دکن: حیدر آباد.
- ابن طغری بردی، یوسف (۱۹۶۳م) النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، قاهره: وزارة الثقافة و الارشاد.
- ابن عدربه، ابو عمر (۱۴۱۱ق) العقد الفرید، تقدیم عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی.
- ابن قتیبه، ابو عبدالله (۱۴۱۸ق) عیون الاخبار، تحقیق محمدالاسکندرانی، بیروت: دارالکتب العربی.
- ----- (۱۴۰۷ق) المعارف، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- (۱۹۳۵م) الشعر والشعراء، قاهره: مطبعة مصطفى محمد.
- ابن مالک، ابو عبدالله کعب (۱۳۸۶ق) دیوان، تحقیق مکی العانی، بغداد: مکتبه النهضة.
- ابن منظور، محمد (۱۹۵۶م) لسان العرب، بیروت: دارصادر.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۶۶) الفهرست، ترجمه محمد رضا تجدد، تهران: امیر کبیر.
- ابن هشام، ابو محمد (۱۳۷۵ق) السیرة النبویة، تحقیق مصطفی سقا و ابراهیم العیاری، بیروت: دارالوفاق.
- ابو عبیده معمر بن مثنی (۱۴۰۷ق) ایام العرب قبل الاسلام، بیروت: عالم الکتب.
- اصفهانی، ابوالفرج علی [بی تا] الاغانی، بیروت: دار احیاء التراث.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۲ق) فتوح البلدان، تعلیق رضوان، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بیانی، عادل جاسم (۱۳۶۴ق) تاریخ الادب العربی قبل الاسلام، بغداد: بیت الحکمه.
- تبریزی، یحیی بن علی [بی تا] شرح دیوان اشعار الحماسه ابوتمام، [بی جا]: [بی تا].
- جادالمولی، محمد [بی تا] ایام العرب فی الجاهلیه، بیروت: دارالفکر.
- جریر، بن عطیه [بی تا] النقائض بین جریر و فرزدق، بیروت: دارالکتب العربی.
- جوهری، ابوبکر (۱۴۱۳ق) الصحاح، تحقیق عبدالغفور، بیروت.
- حموی بغدادی، یاقوت (۱۴۱۲ق) معجم البلدان، بیروت: دارالفکر.
- دائرة المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۸۰ش) تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- دوری، عبدالعزیز (۱۹۹۳) بحث فی نشأة علم التاريخ و تطورها عند العرب، بیروت: دارالمشرق.
- دینوری، احمد بن داود (۱۴۱۲ق) الاخبار الطوال، تصحیح عبدالمنعم، قم: شریف الرضی.
- رزنتال، فرانتس (۱۳۶۳ش) تاریخ تاریخ نگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، تهران: آستان قدس رضوی.
- زبیری، مصعب بن عبدالله [بی تا] کتاب النسب قریش، تصحیح پروفنسال، قاهره: دارالمعارف.
- زهری، شهاب الدین (۱۴۱۴ق) المغازی النبویه، تحقیق سهیل زکار، دمشق: دارالفکر.
- سجادی، سید صادق (۱۳۸۴ش)، تاریخ نگاری در اسلام، تهران: سمت.
- ضبی، مفضل بن محمد (۱۹۸۳م) امثال العرب، بیروت: دارالرائد.
- [بی تا] المفضلیات، بغداد: مکتبه المثنی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۹ق)، تاریخ الطبری، بیروت: موسسه الاعلمی.
- علی، جواد (۱۳۸۰ش) المفضل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، قم: شریف الرضی.
- العمری، شهاب الدین ابن فضل الله (۲۰۰۵م) مسالک الابصار فی ممالک الامصار، امارات: مرکز زائده للتراث.
- کاهن، کلود، «تاریخ مورخان اسلامی تا پایان دوران عباسی»، ترجمه بختیاری، تاریخ اسلام، بهار ۱۳۷۹ش.
- کلبی، محمد ابن هشام (۱۴۱۹ق) مثالب العرب، تحقیق نجاح الطائی، بیروت: دارالهدی.
- منقری، نصر ابن مزاحم (۱۳۶۳ش) بیکار صفین، ترجمه پرویز آتابکی، تهران: آموزش انقلاب اسلامی.
- مزروقی، احمد (۱۴۱۱ق) شرح دیوان الحماسه، تصحیح احمد امین، بیروت: دارالجیل.
- میدانی، احمد (۱۴۰۶ق) مجمع الامثال، بیروت: مکتبه المعارف.
- مرادی نسب، حسین (۱۳۸۲ش)، موسی بن عقبه پیشگام در سیره نگاری، تهران: نشاط.

- مصطفی، شاکر، «تاریخ‌نگاری از عصر جاهلی تا دوره اسلامی»، ترجمه مهراں اسماعیلی، تاریخ درآئینه پژوهش، زمستان ۸۲.
- نویری، شهاب‌الدین (۱۳۶۴ ش) *نهاية العرب في فنون الادب*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: امیرکبیر.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۱۰ ق) *کتاب الرده*، تحقیق یحیی الجبوری، بیروت: دارالمغرب.
- ----- (۱۴۱۷ ق) *فتوح الشام*، تصحیح عبداللطیف، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ----- (۱۳۶۳ ش) *المغازی*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، نشر دانشگاهی.

- hasan Mahmoodul,ibnal-athir : an arab historian, northern book center 2005.
- kennedy, Philip, on fiction and adab in medieval Arabic literature, Wiesbaden, 2005
- Robinson, chafe Islamic historiography ,Cambridge. 2003.
- Encyclopedia of Arabic literature ,scott, Julie, meisami., taylor paul starkey, francis. 1998
- schipperes, arie, spanish hebre poetry and arab literary tradition
brill. 1994.
- toponymy monuments, historicaly geography and frontier studies, bumbarton oaks, 2002.

Archive of SID